

مقایسه سرمایه اجتماعی دانشجویان بومی و غیربومی با رویکرد تحلیل سیاست بومی گزینی در آموزش عالی

زهره علی پور تربتی*^۱، بهرنگ اسماعیلی شاد^۲، حامد علیزاده^۳



چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه سرمایه اجتماعی دانشجویان بومی و غیربومی با رویکرد تحلیل تأثیر سیاست بومی گزینی در آموزش عالی بود. پژوهش از نظر هدف، کاربردی بود و از حیث روش، توصیفی از نوع پس رویدادی است که به شیوه پیمایشی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه صنعتی قوچان به تعداد ۲۵۰۰ دانشجو در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ که برای نمونه گیری از روش تصادفی طبقه‌ای نسبی بر حسب بومی و غیر بومی بودن در شهر قوچان استفاده شد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برای دانشجویان بومی ۱۰۰ نفر و برای دانشجویان غیربومی ۲۳۴ نفر به دست آمد. این محاسبه با سطح خطای ۵ درصد صورت گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها عبارت است از پرسشنامه سرمایه اجتماعی عباس زاده و همکاران (۱۳۹۱) که روایی صوری آن مورد تأیید ۱۰ نفر از خبرگان قرار گرفت و پایایی ابزار با استفاده از فرمول ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳۲ محاسبه شد. داده‌ها با آزمون T مستقل و به وسیله نرم افزار SPSS ۲۲ تحلیل شد. تحلیل یافته‌ها حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی دو گروه دانشجویان بومی و غیربومی با هم تفاوت معناداری دارد و میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان غیربومی بیشتر از سرمایه اجتماعی دانشجویان بومی است. نتایج پژوهش حاضر نشانگر اهمیت ارتباط و تعامل آحاد جامعه به ویژه دانشجویان جهت افزایش سرمایه اجتماعی است که این امر بر نقش آموزش عالی و دانشگاه‌ها در انسجام و اعتماد اجتماعی صحنه می‌گذارد.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، سرمایه اجتماعی، بومی گزینی.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. نویسنده مسئول

alipour.zohre@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

behrang_esmaeeli@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

h.alizadeh@qiet.ac.ir

مقدمه

سرمایه اجتماعی^۱ از مفاهیم نوینی است که در چند دهه‌ی اخیر در اکثر رشته‌های علوم انسانی و جامعه‌شناسی رواج یافته و به عنوان یکی از عوامل تقویت‌کننده روابط جمعی، شبکه‌ها و انسجام بخش میان انسان‌ها، انسان‌ها و سازمان‌ها و سازمان‌ها با یکدیگر محسوب می‌شود (ربیعی سروندی و صمدی فروشانی، ۱۳۹۷: ۱). سرمایه اجتماعی نه تنها دارایی ارزشمند برای افزایش سطح زندگی است بلکه یک روش برای افزایش سطح رفاه اجتماعی در کل جامعه می‌باشد (سانگ هوان و هونجون^۲، ۲۰۱۶: ۲). این مفهوم دربرگیرنده همه تعاملات، روابط، مشارکت، تعهد و علاقه‌ای است که افراد جامعه را به هم پیوند می‌زند و به واسطه نقش و اهمیت اجتماعی خود می‌تواند بر ابعاد امنیت اعم از اقتصادی، سیاسی، قضایی و اجتماعی-روانی تأثیر بگذارد (میر، میر و خلیل زاده: ۱۳۹۴: ۵۸۵). سرمایه اجتماعی عبارت است از شبکه‌های درهم تنیده از هنجارها، ارزش‌ها و ادراک که همکاری میان گروهی و درون گروهی را تسهیل می‌کند (سیدنورانی، سجادی، فروزان و جهانگرد، ۱۳۹۴: ۳۳). در واقع سرمایه اجتماعی شامل قواعد و ارزش‌های مشترک برای رفتارهای اجتماعی مطرح در روابط شخصی و همچنین شامل اعتماد و حس مشترک از مسئولیت مدنی است که جامعه را تبدیل به چیزی فراتر از یک مجموعه از افراد می‌کند (پورموسوی، عباسی کسبی و واحدی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقا سطح همکاری بین اعضا جامعه شده و هزینه‌های تبادلات و ارتباطات را پایین می‌آورد (زینتی و قربانی، ۱۳۹۸: ۳۱).

سرمایه اجتماعی نیرومندترین ابزار مقابله‌ای برای رویارویی موفقیت‌آمیز و آسان افراد در زمان درگیری با شرایط تنش‌زاست و تحمل مشکلات را برای افراد آسان می‌کند؛ در واقع، هر اندازه افراد دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، سلامت آن‌ها در جامعه در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت و از بهزیستی روان‌شناختی بالاتری برخوردار خواهند شد (مردانی‌فر، ظهیری نیا و رستگار، ۱۳۹۸: ۹۹). در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی در سطح پایینی است، دلسردی و بی‌اعتنایی هر یک از اعضا یا گروه‌های جامعه، بر اثر بیگانگی اجتماعی، احساس نبود اثربخشی، نارضایتی و بی‌اعتمادی نسبت به دیگران باعث ایجاد شکنندگی در ساختار اجتماعی خواهد شد. همین عوامل رفته رفته، اعضای شبکه اجتماعی را نسبت به همه فرایندهای اجتماعی بدبین کرده و دچار بیماری ناامیدی نسبت به آینده و انزوای اجتماعی به دور از هر گونه ارتباط اجتماعی خواهد کرد؛ بنابراین بی‌توجهی نسبت به ارتباطات فردی یا گروهی عناصر اجتماعی، عامل فروپاشی هر ساختار یا محیطی خواهد بود که در آن انسان به عنوان یک عامل اثرگذار و دارای قدرت تصمیم‌گیری، به حساب آورده نشود (صفاریان، ۱۳۹۷: ۱۵). نتیجه تضعیف سرمایه اجتماعی، افزایش درگیری‌ها و تنش‌های فردی و جمعی، کاهش مشارکت، افزایش هزینه‌های کنترل اجتماعی و به طور کلی افت کارایی نظام اجتماعی است. در چنین فضایی، هر یک از گروه‌ها به دنبال کسب منافع متضاد خود هستند. هزینه‌های معاملاتی افزایش می‌یابد. تضادها و تعارضات تشدید می‌شود و پیوندهای اجتماعی تضعیف می‌شود که همگی منجر به بروز و تشدید بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود (زیبری و ابراهیمی پورفانز، ۱۳۹۳: ۱۸۹-۱۹۰). در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شود (قنادان و اندیشمند، ۱۳۸۸: ۲۵).

عوامل مختلفی در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نقش دارند. یکی از این عوامل، آموزش است. در واقع می‌توان گفت نهاد آموزش به دلیل ایجاد هنجارها و ارزش‌ها و درونی کردن آنها در افراد، مهم‌ترین نقش را در ایجاد هنجارها در جامعه

^۱. Social capital

^۲. Seunghwan & Hyungjun

ایفا می‌کند (سیدنورانی، سجادی، فروزان و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲). از طریق آموزش می‌توان بسیاری از اهداف اجتماعی را به دست آورد که منجر به ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌گردد (شرکایی اردکانی، ریاحی نژاد و رزاقی، ۱۳۹۰: ۱۹). آموزش قادر است هر دو بعد ذهنی و ساختاری سرمایه اجتماعی را در جوامع به وجود آورد (سیدنورانی، سجادی، فروزان و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). نظام آموزش عالی^۱ نیز به عنوان یکی از کانون‌های اصلی ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی در سطح جامعه محسوب می‌شود (اندیشمند، ۱۳۸۸: ۳۰). دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای اجتماعی و فرهنگی، می‌توانند با سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه اجتماعی، مهارت و شایستگی‌های هیأت علمی و همچنین در سرمایه ساختاری خود از قبیل دارایی فکری، نوآوری، فرایندها و روش‌های کاری، یادگیری سازمانی، سیستم‌های اطلاعاتی بیفزایند (گوموس^۲، ۲۰۰۷). اهداف و نقش آموزش عالی در کشور، تقویت سرمایه اجتماعی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه، ترویج و ارتقای دانش، گسترش پژوهش و فراهم آوردن زمینه مساعد برای مشارکت در توسعه کشور است. سرمایه اجتماعی با ایجاد و گسترش شبکه‌های روابط جمعی و گروهی و تقویت همبستگی میان افراد سازمان، می‌تواند در گسترش و تثبیت مشارکت سازمانی مطلوب، نقش بسیار موثری ایفا نماید (باقری مجد، مهاجران و فلاح فرامرزی، ۱۳۹۴: ۲۲۱). درک نیازهای دانشگاهیان، برقراری ارتباطات شفاف و ترغیب افراد به تماس بیشتر با یکدیگر، برقراری بیشتر جلسات گروهی، جلب اعتماد و تعهد، بهسازی مهارت‌ها، به اشتراک گذاشتن تجربیات و مهارت‌ها، واگذاری قدرت تصمیم‌گیری، ارتقای روحیه گروهی، احساس ارزشمندی، پذیرش ایده‌ها، کار گروهی و تیم‌سازی، ارتقای افراد شایسته و... از جمله مواردی است که می‌تواند راهگشای مسائل و مشکلات دانشگاه‌ها برای ارتقای سرمایه اجتماعی در دانشگاه باشد (قنادان و اندیشمند، ۱۳۸۸: ۴۲).

عوامل بسیاری می‌توانند بر عملکرد و بازده دانشگاه‌ها تاثیرگذار باشند که در این بین چگونگی سنجش و پذیرش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از مهم‌ترین دروندادها به شمار می‌روند. این فرایند در کشور ما توسط سازمان سنجش آموزش کشور صورت می‌پذیرد (جمالی و باقی‌یزدل، ۱۳۹۶: ۴). سیاست بومی‌گزینی بیانگر آن است که دانشجویان مربوط به هر منطقه فقط به دانشگاه‌های منطقه و بوم خود وارد شوند و از قبولی دانشجویان در خارج از ناحیه بومی خود جلوگیری شود (بذرافشان مقدم، مهدوی شکیب و خجسته بوجار، ۱۳۹۳: ۸۳). سیاست بومی‌گزینی در ایران هرچند در بدو امر مساله‌ای است که صرفاً به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مرتبط است اما با عنایت به جایگاه و موقعیت اجتماعی و فرهنگی ایران، موقعیت جغرافیایی احاطه شده از سوی دولت‌های جدید التأسیس با قرابت فرهنگی با اقوام هم‌مرز ایران، ایدئولوژی‌های قومی واگرایانه، وجود برخی آمارها که حکایت از رشد احساسات قومی در بین اقوام ایرانی دارد و در نهایت با توجه به اصل مهم سرایت نتایج و پیامدها در برنامه‌ریزی به سایر حوزه‌ها، این مساله اثرات قابل ملاحظه‌ای بر وحدت و انسجام اجتماعی ایرانیان خواهد داشت (خندق و کوثری، ۱۳۹۷: ۶۸). اعمال سیاست بومی‌گزینی با افزایش نابرابری به معنی افزایش محرومیت‌ها و عدم دسترسی قشر ضعیف‌تر جامعه به بسیاری از فرصت‌ها و حقوق آموزشی برتر، باعث کاهش سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی می‌شود چرا که این نوع سرمایه‌گذاری به ادراکات، تمایلات و انتظاراتی وابسته است که اقشار و گروه‌های متفاوت را به همکاری ترغیب می‌کند. افزایش نابرابری، این باور و ذهنیت را که اقشار و گروه‌های مختلف، سهم منصفانه خود را به دست نمی‌آورند، تقویت کرده و در نتیجه باعث کاهش تمایلات و انتظاراتی می‌شود که همکاری و مشارکت در جهت منافع جمعی را تشویق می‌کند (توٹ^۳، ۲۰۱۱: ۲۷۲). از بین رفتن تبعیض یکی از اجزای اصلی فرصت برابر محسوب می‌شود به گونه‌ای که این عنصر بر تساوی برخورد آموزش عالی با داوطلبان ورود به آن دلالت دارد؛ به بیان دقیق‌تر، این موضوع مبین آن است که با داوطلبان ورود به دانشگاه به شیوه مشابه رفتار شود و تنها عامل ممیزه افراد از یکدیگر، استعداد تحصیلی آنان باشد که بر احتمال استفاده آنان از رشته انتخابی تأثیر مستقیم دارد. توسعه آموزش بدون توجه به فرصت‌های برابر، مشکلات بسیاری از جمله افزایش مهاجرت از

1. Higher education

2. Gumus

3. Toth

مناطق محروم به شهرها و مناطقی که دارای امکانات تحصیلی هستند و در نتیجه، افزایش مشکلات ناشی از مهاجرت در مناطق شهری را به وجود می‌آورد (بذرافشان مقدم، مهدوی شکیب و خجسته بوجار، ۱۳۹۳: ۸۵-۸۶).

دانشگاه مکانی است که گفتگوی بین فرهنگ‌ها می‌تواند ساز و کاری مناسب در جهت فراهم کردن همگرایی قومی و نژادی ایجاد نماید به گونه‌ای که هر چقدر تعاملات بیشتر باشد، صمیمیت رو به افزایشی ایجاد خواهد شد. افزایش توان افراد در برطرف کردن موانع ارتباطی در محیط‌های دانشگاهی از طریق خوابگاه‌ها، کلاس‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی - پژوهشی می‌تواند تاثیر مثبتی در توسعه اخلاق داشته باشد (جان پرور، صالح آبادی و احمدآبادی، ۱۳۹۳: ۱۲). منتقدان معتقدند این طرح پیامدهایی از قبیل جدایی و انفکاک فرهنگ‌های مختلف از یکدیگر و تضعیف روحیه همبستگی و انسجام ملی و ایجاد نابرابری‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را به دنبال دارد (بذرافشان مقدم، مهدوی شکیب و خجسته بوجار، ۱۳۹۳: ۸۸). همچنین در استان‌هایی که ویژگی‌های طایفه‌ای دارند، وقتی با یکدیگر در یک جا جمع می‌شوند و کلونی تشکیل می‌دهند به دلیل شرایط خاصی که کشور دارد، آسیب‌ها و تمهیدات امنیتی بوجود می‌آید (فریدونی، ۱۳۹۶: ۴-۵). پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها به شیوه بومی‌گزینی و ممانعت از حضور دانشجویان از سایر فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر، با ایجاد همبستگی و تقویت هویت ملی و نظریه سرمایه اجتماعی مغایرت دارد زیرا اقوام ایرانی، در لایه استانی و تا حدی در لایه ناحیه‌ای عملاً محصور در ناحیه، استان یا بوم خویش گشته و این امر در بلند مدت به زیان همبستگی کشور (سرمایه اجتماعی) و حاکم شدن قومیت‌گرایی خواهد شد (بذرافشان مقدم، مهدوی شکیب و خجسته بوجار، ۱۳۹۳: ۸۸). منتقدان طرح بومی‌گزینی معتقدند با توجه به شرایط منطقه‌ای ایران، اصولاً سیاست گذاری آموزشی باید علیه شکاف‌های قومی در کشور باشد یعنی ذکر آموزه‌های مبتنی بر احساس ملت واحد به موازات تکریم و به رسمیت شناخته شدن تمامی قومیت‌ها (جان پرور، صالح آبادی و احمدآبادی، ۱۳۹۳: ۴۱). در استان‌های مرزی، اجرای سیاست بومی‌گزینی باعث ایجاد مسائل پیچیده‌ای شده است که بحث قومیت‌ها، گرایش‌های مختلف، ادیان مختلف در دانشگاه‌های مرزی برای دانشگاه به چالش تبدیل شده است (فریدونی، ۱۳۹۶: ۶). این موضوع زمانی اهمیت حیاتی می‌یابد که به نقش و کارکرد قوم‌گرایی که بر طبل جدایی گروه‌های اجتماعی در ایران می‌کوبند توجه بیشتری شود. آنان با استفاده از نارضایتی‌های نشأت گرفته از برخی از سیاست‌های نادرست به تحریک نخبگان منطقه‌ای پرداخته و باعث جدا افتادگی مناطق از سرزمین پدیری می‌شوند (خندق و کوثری، ۱۳۹۷: ۸۱). براساس تحقیقات صورت گرفته مشخص شد پژوهش‌های داخلی اندکی در رابطه با بررسی تاثیر سیاست‌های بومی‌گزینی دانشجو بر سرمایه اجتماعی صورت گرفته است، همچنین هیچ پژوهش خارجی در این حوزه یافت نشد و تنها به ذکر چند نمونه اندک که در زمینه ارتباط آموزش و سرمایه اجتماعی صورت گرفته، پرداخته شده است. با عنایت به مطالب فوق الذکر و اهمیت موضوع، هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه سرمایه اجتماعی دانشجویان بومی و غیربومی با رویکرد تحلیل تاثیر سیاست بومی‌گزینی در آموزش عالی است.

پیشینه پژوهش

خندق و کوثری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تاثیر بومی‌گزینی در نظام آموزش عالی بر انسجام اجتماعی در ایران» به این نتیجه رسیدند که بومی‌گزینی دانشگاه‌ها می‌تواند سدی در برابر انسجام اجتماعی ایرانیان ایجاد کرده و مصالح عالیه کشور را تهدید کند و در درازمدت در برابر روند طبیعی تاریخ اجتماعی ایران قرار گیرد. جمالی و باقی یزدل (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «چالش‌های بومی‌گزینی در آزمون سراسری آموزش عالی ایران» به بررسی چالش‌های بومی‌گزینی در آزمون سراسری پرداختند که نشان داد مهم‌ترین چالش‌های بومی‌گزینی به ترتیب در بعد آموزشی، بعد فرهنگی - خانوادگی، بعد اجتماعی و بعد اقتصادی می‌باشد که مهم‌ترین شاخص در بعد آموزشی، کاهش دسترسی دانشجویان نخبه به دانشگاه‌های برتر و اساتید برجسته بود و بیشترین مخالفت‌ها (۵۳/۵ درصد پاسخ دهندگان) در بعد آموزشی مطرح

بود. صالحی عمران (۱۳۹۳) در تحقیق «آموزش عالی و سرمایه اجتماعی» به بررسی میزان برخورداری دانشجویان از سرمایه اجتماعی و ابعاد آن پرداخت و نشان داد میزان برخورداری دانشجویان از سرمایه اجتماعی بالا نبوده و تحصیل در آموزش عالی تاثیر درخور توجهی بر افزایش سرمایه اجتماعی آنان نداشته است. بذرافشان و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش «بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی» به بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان پرداخته و به این نتیجه رسیدند که دانشجویان نسبت به تحقق اهداف بومی‌گزینی در ابعاد عاطفی، اقتصادی و فرهنگی در مقایسه با بعد آموزشی توافق بیشتری داشتند.

نتایج تحقیق جان پرور و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «آسیب‌شناسی هویت ملی ناشی از پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه‌ها» نشان داد که بومی‌گزینی ۱۰ مولفه اساسی نظیر، عدم تبادلات فرهنگی، کاهش ازدواج بین گروه‌های قومی، کاهش شناخت گروه‌های قومی از یکدیگر و... به همراه دارد که هر یک از آنها به نوعی حفظ و تقویت هویت ملی را دچار مشکل می‌کند. مهرعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش «آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی کنکور» به این نتیجه دست یافتند که در نظر نگرفتن استعدادها و افراد و محصور شدن دانشجویان در فضای تنگ بومی به عنوان آسیب‌های اصلی طرح بیان شده است. علاوه بر آن، چنین طرحی به چهار مقوله اصلی سرمایه اجتماعی (عدالت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی) بی‌توجه است.

یافته‌های ارائه^۱ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی در رابطه بین وضعیت اقتصادی اجتماعی و رفاه نوجوانان» نشان داد که سرمایه اجتماعی یک منبع مهم حمایتی است که می‌تواند در جهت رفاه حال نوجوانان صرف نظر از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. هوانگ^۲ و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق «فراتحلیل تأثیر آموزش بر سرمایه اجتماعی» از تأثیر آموزش بر مشارکت اجتماعی و مکانیسم متقابل بین ابعاد سرمایه اجتماعی پشتیبانی می‌کند. بریگز^۳ (۲۰۰۲) در پژوهش «سرمایه اجتماعی و تفکیک: نژاد، ارتباطات و نابرابری در آمریکا» بیان می‌دارد که مطالعات اخیر در باب سرمایه اجتماعی بر اهمیت شبکه‌ها و سایر روابط بین افراد متفاوت از نظر اجتماعی تاکید دارد در ایالات متحده، روابط بین نژادی به دلیل اختلاف نژادی دیرینه این کشور، افزایش تنوع قومی مرتبط با مهاجرت سریع و تمایل به همبستگی شکاف‌های نژادی و اجتماعی-اقتصادی، به ویژه قابل توجه است. تحصیل، مشارکت سازمانی و معاشرت با همکاران پیش‌بینی‌کننده پل بین نژادی برای همه گروه‌ها است. هالیول و پوتنام^۴ (۱۹۹۹) دریافتند آموزش معمولاً مهمترین پیش‌بینی‌کننده تعامل سیاسی و اجتماعی افراد است و افزایش سطح متوسط تحصیلات باعث افزایش اعتماد به نفس می‌شود اما سطح مشارکت را کاهش نمی‌دهد.

روش پژوهش

پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و روش تحقیق توصیفی از نوع پس‌رویدادی بود. جامعه آماری تمامی دانشجویان دانشگاه صنعتی قوچان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ به تعداد ۲۵۰۰ نفر بود و برای نمونه آماری نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی بر حسب بومی و غیر بومی بودن در استان خراسان رضوی استفاده شد که با توجه به تعداد دانشجویان بومی و غیر بومی حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، برای دانشجویان بومی ۱۰۰ نفر و برای دانشجویان غیربومی ۲۳۴ نفر به دست آمد. این محاسبه با سطح خطای ۵ درصد صورت گرفت.

1. Evelyn Aboagye Addae

2. Huang

3. Briggs

4. Helliwell & Putnam

برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه سرمایه اجتماعی عباس زاده و همکاران (۱۳۹۱) با ۳۲ گویه و طبق طیف پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شد، با سه مولفه اعتماد اجتماعی (۱۲ گویه)، مشارکت اجتماعی (۱۱ گویه) و انسجام اجتماعی (۹ گویه).

روایی صوری آن توسط ۱۰ نفر از اساتید و خبرگان تایید شد و پایایی کلی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ $0/832$ محاسبه شد. پایایی هر یک از ابعاد برای اعتماد اجتماعی $0/83$ ، مشارکت اجتماعی $0/75$ و انسجام اجتماعی $0/89$ محاسبه شده است.

با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف و چولگی و کشیدگی مشخص گردید که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها آزمون T مستقل با نرم افزار نسخه SPSS22 استفاده گردید.

یافته ها

تعداد افراد نمونه آماری از نظر جنسیت برابر بود یعنی 50% زن و 50% مرد. توزیع فراوانی افراد به تفکیک قومیت عبارت است از: فارس ۱۷۸ نفر (۵۶ درصد)، کرد ۳۸ نفر (۱۱/۴ درصد)، ترک ۶۱ نفر (۱۸/۳ درصد)، لر ۲۳ نفر (۶/۹ درصد)، عرب ۱۱ نفر (۳/۳ درصد)، بلوچ ۳ نفر (۰/۹ درصد)، ترکمن ۸ نفر (۲/۴ درصد) و بدون پاسخ ۳ نفر (۰/۹ درصد).

برای تشخیص طبیعی بودن توزیع نمرات در سه متغیر به تفکیک میزان کجی و بلندی بر انحراف استاندارد را بدست می آوریم. همانطور که در جدول ۱ دیده می شود چون مقدار چولگی و کشیدگی برای متغیرهای تحقیق در بازه $(+2)$ و (-2) قرار دارند پس احتمالاً توزیع نرمال دارند.

جهت بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (K-S) استفاده شده است تا از نرمال بودن داده ها اطمینان حاصل گردد. با توجه به اینکه آزمون K-S در گروه ناپارامتریک قرار دارد مقدار سطح معنا داری کمتر از 0.05 یعنی غیر نرمال و خروجی جدول ۳ نشان می دهد که مقدارهای P در آزمون فوق الذکر از 0.05 بزرگتر است. فرضیه صفر (نرمال بودن داده ها) در آزمون K-S، پیروی داده ها از توزیع نرمال را مشخص می نماید.

جدول ۱- آماره توصیفی متغیرها

نام متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف	کجی	بلندی	K-s	سطح
اعتماد اجتماعی	۳۸/۰۰	۸۵/۰۰	۵۳/۷۶	۶/۴۹	۰/۶۲۳	۱/۶۵۱	۰/۰۸۶	۰/۰۵۳
انسجام اجتماعی	۲۲/۰۰	۸۰/۰۰	۵۳/۸۹	۶/۰۷	۰/۰۳۰	۱/۷۷۷	۰/۰۵۷	۰/۰۹۱
مشارکت اجتماعی	۱۹/۰۰	۹۵/۰۰	۵۹/۸۱	۱۰/۸۰	-۰/۳۹۸	۱/۲۷۱	۰/۰۹۲	۰/۰۵۶
سرمایه اجتماعی	۹۱/۰۰	۲۴۴/۰۰	۱۶۷/۴۷	۱۸/۳۳	۰/۰۷۱	۱/۳۷۳	۰/۰۵۴	۰/۰۶۰

برای بدست آوردن میانگین ثابت تعداد سوالات را بر تعداد پاسخ‌ها (از خیلی مخالفم تا موافقم) ضرب و مجدداً با تعداد سوالات جمع کرده و پاسخ بدست آمده بر دو تقسیم می شود. این عدد می تواند میانگین ثابت سوالات باشد. همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است با توجه به پاسخ پژوهش شونده‌گان، میانگین بدست آمده از میانگین ثابت بیشتر بوده است.

جدول ۲- مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی در جامعه تحقیق

نام متغیر	میانگین بدست آمده				میانگین ثابت
	مرد	زن	غیر بومی	بومی	
اعتماد اجتماعی	۵۳/۵۳	۵۳/۹۸	۵۳/۹۰	۵۳/۷۰	۵۱/۰
انسجام اجتماعی	۵۴/۸۱	۵۲/۹۸	۵۳/۹۰	۵۳/۸۹	۴۸/۰
مشارکت اجتماعی	۶۱/۷۲	۵۷/۸۹	۶۱/۰۹	۵۹/۲۶	۵۷/۰
سرمایه اجتماعی	۱۷۰/۰۷	۱۶۴/۸۶	۱۶۸/۸۹	۱۶۶/۸۶	۱۵۶/۰

فرضیه اصلی: میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان بومی و غیر بومی متفاوت است.
 فرضیه فرعی اول: میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان بومی و غیر بومی متفاوت است.
 فرضیه فرعی دوم: میزان انسجام اجتماعی دانشجویان بومی و غیر بومی متفاوت است.
 فرضیه فرعی سوم: میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان بومی و غیر بومی متفاوت است.

فرضیه اصلی

جدول ۳- تفاوت سرمایه اجتماعی دانشجویان بومی و غیر بومی

متغیر	مدل	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	T	فیشرف (F)	معناداری
سرمایه اجتماعی	غیر بومی	۱۰۰	-۲/۲۸	۶/۳۳	۱۶۸/۸۹	۱۴/۸۵	۰/۹۲۳	۸/۷۵	۰/۰۰۳
	بومی	۲۳۴	-۱/۸۴	۵/۸۸	۱۶۶/۸۶	۱۹/۶۳	۱/۰۳۰		

برای نشان دادن تفاوت بین دو گروه از آزمون T مستقل استفاده شد. بر اساس جدول ۴ سطح معناداری بدست آمده کمتر از پنج صدم می باشد و این بدان معناست که بین میزان سرمایه اجتماعی بین دانشجویان بومی با میانگین ۱۶۸/۸۹ و غیر بومی با میانگین ۱۶۶/۸۶ تفاوت وجود دارد (معناداری ۰/۰۰۳). میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان غیر بومی بومی بیشتر از سرمایه اجتماعی دانشجویان بومی است.

جدول ۴- تفاوت دانشجویان بومی و غیر بومی بر حسب مولفه های سرمایه اجتماعی

متغیر	مدل	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	T	فیشرف (F)	معناداری
غیر بومی	-۱/۳۳	۱/۷۲	۵۳/۹۰	۵/۴۳	۰/۲۵۱	۵/۵۱۲	۰/۰۱۹	

اعتماد اجتماعی	بومی	-۱/۱۹	۱/۵۸	۵۳/۷۰	۶/۹۰	۰/۲۷۶
انسجام اجتماعی	غیر بومی	-۱/۴۲	۱/۴۳	۵۳/۹۰	۵/۱۰	۰/۰۰۴
	بومی	-۱/۳۰	۱/۳۰	۵۳/۸۹	۶/۴۵	۰/۰۰۴
مشارکت اجتماعی	غیر بومی	-۰/۷۱۰	۴/۳۶	۶۱/۰۹	۸/۹۷	۱/۴۱
	بومی	-۰/۴۷۸	۴/۱۲	۵۹/۲۶	۱۱/۴۷	۱/۵۶

در جدول ۴ میزان ابعاد سرمایه اجتماعی در دو گروه دانشجویان بومی و غیر بومی بررسی شده است. در دو مولفه اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی با توجه به میزان فیشر و سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است، تفاوت دیده می‌شود و در مولفه مشارکت اجتماعی با توجه به بیشتر بودن p از مقدار ۰/۰۵ تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

ادبیات آموزش عالی در ایران در سال‌های اخیر شاهد ظهور مفاهیمی از قبیل بومی‌گزینی و غیره بوده است. اگرچه نمی‌توان از برخی وجوه و پیامدهای مثبت رویکردهای بومی‌سازی و محلی‌گرایی جهت مدیریت و توسعه کشورها چشم‌پوشی کرد اما اجرای سیاست‌هایی از این دست برای جوامعی چون ایران بدون در نظر گرفتن برخی الزامات داخلی می‌تواند تبعاتی را در بلندمدت به دنبال داشته باشد. از جمله طرح‌هایی که در سال‌های اخیر در راستای تسهیل تحصیلات عالی و برخی اهداف اجتماعی در ایران به مورد اجرا گذاشته شده است، طرح بومی‌گزینی دانشگاه‌ها است. این طرح در مرداد ماه سال ۱۳۸۷ به پیشنهاد وزارت علوم، به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. مسوولان ذیربط از جمله وزارت علوم و سازمان سنجش کشور دلایل مختلفی را در دفاع از این طرح ارائه می‌کنند که محور آنها عبارتند از: کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در محیط‌های خوابگاهی، کاهش هزینه‌های دانشگاه‌ها و دانشجویان، برقراری نوعی عدالت آموزشی و غیره (خندق و کوثری، ۱۳۹۷: ۶۷). نوشتار حاضر در پی آن بود تا نشان دهد آنچه در طرح بومی‌گزینی مورد غفلت واقع شده، آثار و پیامدهای آن در حوزه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن می‌باشد، فلذا پژوهش حاضر با هدف مقایسه سرمایه اجتماعی دانشجویان بومی و غیربومی با رویکرد تحلیل تأثیر سیاست بومی‌گزینی در آموزش عالی انجام شد.

مرور یافته‌ها نشان می‌دهد نتایج با آنچه که مهرعلیزاده و همکاران (۱۳۹۱) و خندق و کوثری (۱۳۹۷) بدان دست یافتند مطابقت دارد و همانطور که نشان داده شد سرمایه اجتماعی در دو مولفه اعتماد و انسجام اجتماعی در بین دانشجویان بومی و غیربومی تفاوت معنی‌داری دارد. نتایج پژوهش حاضر همچنین در راستای پژوهش بذرافشان و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت داد که می‌توان نتیجه گرفت تفاوت‌های روانشناختی و خصوصیات عاطفی باعث می‌گردد که در میزان سرمایه اجتماعی تفاوت ملاحظه گردد.

همچنین یافته‌های تحقیق حاضر همسو با نتایج تحقیق جان پرور و همکاران (۱۳۹۳) است که نشان داد بومی‌گزینی نتایجی همچون عدم تبادلات فرهنگی، کاهش ازدواج بین گروه‌های قومی، کاهش شناخت گروه‌های قومی از یکدیگر و... به همراه دارد که هر یک از آنها به نوعی حفظ و تقویت هویت ملی را دچار مشکل می‌کند.

یافته های پژوهش حاضر با یافته های تحقیق کیم، کیم و مک نیلی (۲۰۲۰) مطابقت ندارد. آنها با بررسی چگونگی تأثیر متقابل بین تنوع نژادی و نابرابری اقتصادی بر تغییرات سرمایه اجتماعی در ایالات متحده بیان کردند که ناهمگونی نژادی و اقتصادی، فضایی منفی برای رشد سرمایه اجتماعی فراهم می کند. عدم مطابقت این دو تحقیق شاید به دلیل تفاوت فرهنگی و مولفه های جامعه شناختی در دو جامعه ایرانی و امریکایی باشد که نیاز به تحقیقات بیشتر تطبیقی در این حوزه دارد.

با عنایت به تنوع نژادی و قومی در کشور ایران، یافته های تحقیق بریگز (۲۰۰۲) در خور توجه است چرا که این پژوهش نشان داد روابط بین نژادی، افزایش تنوع قومی و تمایل به همبستگی شکاف های نژادی و اجتماعی-اقتصادی قابل توجه است. تحصیل، مشارکت سازمانی و معاشرت می تواند پل بین نژادی برای همه گروه ها باشد.

نظام آموزش عالی هر کشوری به دلیل اثربخشی وسیع در همه سطوح جامعه، اثرگذاری اجتماعی و سیاسی در فضای عمومی جامعه دارد. از این منظر است که هرگونه برنامه ریزی و سیاست گذاری در رابطه با این نهاد، دامنه وسیعی از جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. به همین دلیل سیاست بومی گزینی در دانشگاه ها در ایران، هرچند در بدو امر مساله ای است که صرفاً به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی مرتبط است اما با عنایت به جایگاه و موقعیت اجتماعی و فرهنگی ایران، موقعیت جغرافیایی احاطه شده از سوی دولتهای جدید التاسیس با قرابت فرهنگی با اقوام هم مرز ایران، ایدئولوژی های قومی واگرایانه، وجود برخی آمارها از رشد احساسات قومی در بین اقوام ایرانی (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۱)، این مساله اثرات قابل ملاحظه ای بر سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی خواهد داشت.

تحولات صورت گرفته در دهه های اخیر نظیر جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات به صورت های مختلف هویت ملی کشورها را تحت تاثیر قرار داده و از سوی دیگر زمینه را برای خودآگاهی و تحریک هویت های قومی در سطح جهان افزایش داده است. این تحولات به گونه ای بوده است که حکومت ها به ویژه حکومت هایی که دارای تنوع قومی هستند را برای حفظ هویت ملی با مشکل مواجه کرده است. به نحوی که در شرایط کنونی حکومت ها برای حفظ و تقویت هویت ملی خود از هر گونه تلاش و اقدامی چشم پوشی نمی کنند. ترکیب جمعیت کشور ایران به نحوی است که اگر ایران را کشوری چند قومی بنامیم چندان دور از واقعیت نخواهد بود. حضور اقوام گوناگون ترک، لر، بلوچ، عرب و ترکمن ترکیبی موزاییکی در جامعه ایرانی را شکل می دهند. با توجه به شرایط جدید جهانی، حفظ و تقویت هویت ملی کشور با توجه به این ترکیب جمعیتی، نیازمند تلاش و اقداماتی گسترده است و باید از همه فرصت های پیش رو جهت دستیابی به این مهم بیشترین بهره را برد. در این میان، مراکز آموزش عالی (دانشگاه ها) یکی از فرصت هایی بوده است که با کنار هم جمع کردن افراد از گروه های قومی و مذهبی مختلف از سراسر کشور زمینه نزدیکی، تعامل و شناخت بیشتر بین آنها را فراهم می آورد و به تقویت و حفظ هویت ملی کمک می کند، اما متأسفانه در پیش گیری سیاست بومی گزینی دانشجویان در دانشگاه های کشور این فرصت جهت تقویت و حفظ هویت ملی در حال از بین رفتن است (جان پرور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱). در دانشگاه است که دانشجویان با درک بیشتر تفاوتها و آشنایی با فرهنگ های مختلف از تعصبات قومی و قبیله ای شان کاسته شده و انسجام بیشتری ایجاد می شود و اگر این مهم انجام نشود و جابجایی دانشجویان در مناطق مختلف کاهش یابد، عدم آشنایی با دیگر فرهنگها و اقوام باعث کاهش شناخت و درهم آمیزی قومیتها و فرهنگها از طریق ارتباطاتی مثل کار و ازدواج و در نتیجه کاهش انسجام و اتحاد، کاهش سازگاری بین اقوام و افزایش تعصبات قومی می گردد و بر انسجام و اعتماد ملی ضربه وارد می نماید.

نکته قابل تامل این پژوهش، این نکته است که هنگام بررسی پرسشنامه های تحقیق، در چند مورد مشاهده شد که برخی از پاسخ دهنده ها نسبت به نوشتن ترتیب قومیتها در پرسشنامه با تعصب برخورد کرده بودند نوشته بودند «اول باید قومیت خودشان ذکر شود» که نشان از اهمیت بررسی این نکته در پژوهش های آتی دارد و بر نقش دانشگاه در

1. Briggs

اختلاط فرهنگ‌ها در جهت کاهش تعصبات بی‌مورد قومی صحنه می‌گذارد. با عنایت به مطالب فوق‌الذکر پیشنهاد می‌شود رویکرد بومی‌گزینی در آموزش عالی مورد بازنگری قرار گیرد و تمامی تبعات منفی آن مورد توجه و دقت قرار گیرد. پژوهش حاضر دارای محدودیتهای در اختیار ذیل بوده است:

- ۱) پژوهش از نظر زمانی، مقطعی بوده است و فقط در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ انجام شد.
- ۲) جامعه تحقیق محدود به دانشگاه صنعتی قوچان بوده است.
- ۳) ابزار تحقیق پرسشنامه بوده و از سایر ابزارها استفاده نشد.

منابع

- اندیشمند، ویدا. (۱۳۸۸). شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها به منظور ارائه مدلی جهت ارتقاء آن. رهبری و مدیریت آموزشی، ۳(۲): ۳۴-۹.
- باقری مجد، روح‌الله؛ مهاجران، بهناز؛ فلاح فرامرزی، محسن. (۱۳۹۴). بررسی روابط بین سرمایه اجتماعی، مشارکت سازمانی و سرمایه انسانی در نظام آموزش عالی. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۷(۳): ۲۰۷-۲۲۵.
- بذرافشان مقدم، مجتبی؛ مهدوی شکیب، علی؛ خجسته بوجار، مریم. (۱۳۹۳). بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی. مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۴(۵): ۱۱۳-۸۱.
- پورموسوی، موسی؛ عباسی کسبی، دنیا؛ واحدی، حیدر. (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت اجتماعی شهر مطالعه موردی منطقه ۱۲ شهر تهران. آمایش جغرافیایی فضا، ۳(۱۰): ۱۳۹-۱۵۶.
- پیرایش، رضا؛ نجفی، فاطمه؛ آقاجانلو، نرگس. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمان مطالعه موردی فرماندهی انتظامی شهر زنجان، دانش انتظامی زنجان، ش ۴: ۵۷-۸۳.
- جان پرور، محسن؛ صالح آبادی، ریحانه؛ احمدآبادی، آرزو. (۱۳۹۳). آسیب شناسی هویت ملی ناشی از پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه‌ها، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۴(۱۲): ۶۰-۴۱.
- جمالی، احسان؛ باقی یزدل، رقیه. (۱۳۹۶). چالش‌های بومی‌گزینی در آزمون سراسری آموزش عالی ایران. آموزش عالی ایران، ۸(۲): ۳۰-۱.
- خندق، نجله؛ کوثری، ابودر. (۱۳۹۷). تأثیر بومی‌گزینی در نظام آموزش عالی بر انسجام اجتماعی در ایران. مطالعات ملی، ۱۹(۳): ۶۶-۸۴.
- ربیعی سروندی، نیما؛ صمدی فروشانی، مرضیه. (۱۳۹۷). مطالعه و بررسی اثر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار، دومین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در مدیریت و اقتصاد مقاومتی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر زبیری، هدی؛ ابراهیمی پورفائز، سهند. (۱۳۹۳). تورم و کاهش سرمایه اجتماعی ایران. برنامه ریزی و بودجه، ۱۹(۴): ۱۸۳-۲۱۳.
- سیدنورانی، محمدرضا؛ سجادی، معصومه سادات؛ فروزان، فائزه؛ جهانگرد، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی نقش آموزش در ایجاد سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۹۰-۱۳۶۰)، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۵(۲۰): ۳۱-۴۴.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۶). نگرشی ساده‌انگارانه به هویت ملی در ایران. مطالعات ملی، ۸(۳): ۵۳-۳۱.
- شرکایی اردکانی، جواد؛ ریاحی نژاد، حسین؛ رزاقی، هادی. (۱۳۹۰). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش ویژه مدارس. تهران: انتشارات مدرسه

صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۹۳). آموزش عالی و سرمایه اجتماعی. پژوهشنامه توسعه فرهنگی اجتماعی، ۱(۱): ۵۷-۷۷.

صفاریان، م. (۱۳۹۷). عوامل موثر بر بی تفاوتی اجتماعی جوانان، رساله دکتری تخصصی. گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

عباس زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمد باقر؛ اسلامی بناب، رضا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱ (۱): ۱۴۵-۱۷۲

فریدونی، سمیه. (۱۳۹۶). آینده پژوهی آموزش عالی ایران، آینده اندیشی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو و پیامدهای آن، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.

قنادان، محمود؛ اندیشمند، ویدا. (۱۳۸۸). نقش دانشگاه در ایجاد سرمایه اجتماعی به منظور ارائه الگوی پیشنهادی برای ارتقای نظام آموزش عالی کشور. پژوهش در برنامه ریزی درسی، شماره ۲۳، ۲۳-۴۴.

مردانی فر، فهیمه؛ ظهیری نیا، مصطفی؛ رستگار، یاسر. (۱۳۹۸). سرمایه اجتماعی و امید به آینده در میان دانشجویان (مطالعه دانشگاه‌های شهر بندرعباس). مدیریت سرمایه اجتماعی، ۶(۱): ۸۵-۱۰۴.

مهرعلیزاده، یدالله؛ رجبی معماری، اسماعیل؛ الهام پور، حسین. (۱۳۹۱). آسیب شناسی سیاست بومی‌گزینی (تحلیل محتوی سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های عمومی کشور). فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۴(۴): ۱۱۹-۱۵۸.

میر، علی؛ میر، سعید؛ خلیل زاده، معصومه. (۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی و نقش آن در احساس امنیت (مورد مطالعه: استان لرستان). مدیریت سرمایه اجتماعی، ۲(۴): ۵۸۵-۶۰۳.

Addae Evelyn Aboagye. (2020). The mediating role of social capital in the relationship between socioeconomic status and adolescent wellbeing: evidence from Ghana. *BMC public health*, 20 (1): 1-11.

Briggs Xavier de Souza. (2002). *Social Capital and Segregation: Race, Connections, and Inequality in America*. KSG Faculty Research Working Papers Series RWP02-011.

Gumus M. (2007). The Effect of communication on Knowledge sharing in organization, *knowledge management practice*, 8 (2): 15-26

Helliwell John., Putnam Robert. (1999). *Education and Social Capital*. Helliwell, John F. and Putnam, Robert D., *Education and Social Capital* (May 1999). NBER Working Paper No. w7121, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=165129>

Huang Jian., Maassen van den Brink Henriëtte., Groot Wim. (2009). A meta-analysis of the effect of education on social capital. *Economics of Education Review*, 28(4): 454-464

Kim Mi-son., Kim Dongkyu., Mcneely Natasha Altema. (2020) Race, inequality, and social capital in the U.S. counties, *The Social Science Journal*, vol 34, DOI: 10.1080/03623319.2020.1799178.

Myeong Seunghwan., Seo Hyungjun. (2016). Which type of social capital matters for building trust in government? looking for a new type of social capital in the governance era. *Sustainability*, 8 (322): 1-15.

Tóth, Istvan Gyorgy. (2011). *Income Distribution, Social Cohesion and Value Structure*. *Public Finance Focus*, 26, 254-287.

Comparison of Social Capital of Native and Non-Native Students with the Approach of Analyzing the Localization Policy in Higher Education

Abstract

The aim of this study was to Comparison of social capital of native and non-native students with the approach of analyzing the impact of localization policy on higher education. The present study was applied in terms of purpose and description of the post-event type in terms of method, which was done by survey method. The statistical population of the study was all students of Quchan University of Technology with 2500 students and for sampling the stratified relative method In terms of being native and non-native in Khorasan Razavi province was used which Using Cochran's formula, the sample size was 100 for native students and 234 for non-native students. The data collection tool was Abbaszadeh et al (2012) Social Capital Questionnaire, the face and content validity of which was confirmed by experts and the reliability was calculated by Cronbach's alpha coefficient formula of 0.832. Data were analyzed by SPSS 22 software and independent t-test. The analysis of the findings indicates that the social capital of native and non-native students is significantly different and the amount of social capital of non-native students is higher than the social capital of native students. The results show the importance of communication and interaction of individuals in society, especially students, to increase social capital and affirms the role of higher education and universities in social cohesion and trust.

Keywords: higher education, native selection, social capital.